



۱. اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
۲. اَلتَّديُنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا:
۳. لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
۴. فَالْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ
۵. وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النُّقُوشِ وَ الرُّسُومِ  
وَ التَّمَاثِيلِ،
۶. تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ.
۷. وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً
۸. مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ  
شَرِّهَا.
۹. وَ اَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.



۱. با یکتاپرستی به دین **روی آور** و هرگز از مشرکان **نباش**.
۲. دینداری در انسان **ذاتی** است. تاریخ به ما می گوید:
۳. هیچ قومی از اقوام زمین مذهب و راهی برای عبادت نداشتند.
۴. پس آثار باستانی‌ای که انسان کشفشان کرد
۵. و تمدن‌هایی که آن را از خلال کتاب‌ها و **کنده‌کاری‌ها** و نقاشی‌ها و پیکره‌ها به آن پی برد،
۶. توجه انسان را به دین تأکید می کند و نشان می‌دهد که آن در وجودش ذاتی است.
۷. ولی عبادت‌ها و **آیین‌ها و مراسم** خرافی بود.
۸. مانند تعدد خدایان و پیشکش کردن **قربانی‌ها** برای آن‌ها برای به‌دست آوردن رضایتشان و **دوری** از بدی‌شان.
۹. و این خرافه‌ها در ادیان مردم با گذشت دوره‌ها افزایش یافت.



۱۰. وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛

۱۱. فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»

۱۲. لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالسَّيِّئِينَ  
الْحَقَّ.

۱۳. وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَصِرَاعِهِمْ مَعَ  
أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

۱۴. وَلَنَذْكُرُ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع)

۱۵. الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۱۶. فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ،

۱۷. بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَاسًّا،



۱۰. ولی خداوند بزرگ و بلندمرتبه مردم را در این حالت رها نکرد؛

۱۱. پس در کتاب کریم خود فرموده است: «آیا انسان گمان می کند بیهوده و پوچ رها می شود؟»

۱۲. بنابراین پیامبران را نزد آنها فرستاد تا راه راست و دین حق را توضیح دهند.

۱۳. و قرآن کریم با ما درباره‌ی **روش و کردار** پیامبران (ع) و **کشمکششان** با اقوام کافرشان سخن گفته است.

۱۴. و به عنوان نمونه باید از ابراهیم خلیل (ع) یاد کنیم

۱۵. کسی که تلاش کرد قوم خود را از عبادت **بت‌ها** نجات دهد.

۱۶. پس در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهر خود بیرون رفتند،

۱۷. ابراهیم تنها ماند، پس **تبری** را برداشت،



۱۸. وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِنْهَا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ

۱۹. ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.

۲۰. وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَّرَةً،

۲۱. وَظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ

۲۲. وَ سَأَلُوهُ: «... أ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ»

۲۳. فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۲۴. بَدَأَ الْقَوْمُ يَنْتَهَامِسُونَ:

۲۵. «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.»

۲۶. وَهُنَا «قَالُوا حَرَّقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ»



۱۸. و همه‌ی بت‌ها را در پرستشگاه **شکست**، به جز بت بزرگ.
۱۹. سپس تبر را بر **شانه آن** آویخت و پرستشگاه را ترک کرد.
۲۰. و وقتی مردم برگشتند، بت‌های خود را شکسته دیدند.
۲۱. و گمان کردند که ابراهیم تنها کننده‌ی کار است، پس او را برای محاکمه **آوردند**
۲۲. و از او پرسیدند: «آیا تو این کار را با خدایانمان انجام دادی ای ابراهیم؟»
۲۳. پس به آنها پاسخ داد: چرا از من سؤال می‌کنید؟ از بت بزرگ پرسید.
۲۴. مردم شروع به **پیچ کردند**:
۲۵. قطعاً بت سخن نمی‌گوید، ابراهیم فقط قصد مسخره کردن بت‌هایمان را دارد.
۲۶. و اینجا «گفتند که او را **بسوزانید** و خدایانتان را یاری کنید.»



### حروف مشبهة بالفعل

در زبان عربی «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مشبهة بالفعل هستند، که هر یک دارای معانی و کاربردی خاص است.

**الف) إِنَّ:** این حرف به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان» است که جمله‌ی بعد از خود را تأکید می‌کند.

مثال: **إِنَّ** اللهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

### حرف مشبهة بالفعل

**بی گمان** خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

مثال: **إِنَّ** اللهُ لَذُو فَضْلٍ.

**بی گمان** خداوند دارای بخشش است.



**سؤال:** در عبارتهای زیر، حروف مشبیهة بالفعل را مشخص کنید،

سپس جمله را ترجمه کنید.

(الف) إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ.

إِنَّ ← حرف مشبیهة بالفعل / قطعاً بت سخن نمی گوید.

(ب) إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ.

إِنَّ ← حرف مشبیهة بالفعل / همانا خداوند کافران را دوست

نمی دارد.

(ج) إِنَّ التَّلْمِيذَ مُؤَدَّبٌ.

إِنَّ ← حرف مشبیهة بالفعل / به درستی که دانش آموز مؤدب

است.





(ب) **أَنَّ**: این حرف به معنای «**که**» می‌باشد و دو جمله را به یکدیگر وصل می‌کند.

مثال: قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

گفت می‌دانم **که** خداوند بر هر چیزی تواناست.

(ج) **كَأَنَّ**: این حرف به معنای «**گویی**» و «**مانند**» است.

مثال:

(۱) **كَأَنَّ** الصَّمْتَ زِينَةٌ.

**گویی** سکوت زینتی است.

(۲) **كَأَنَّ** عَلِيًّا أَسَدٌ.

علی **مانند** شیر است.

(۳) **كَأَنَّ** الْأُسْتَاذَ دُرًّا.

استاد **مانند** مروارید است.



**سؤال:** در عبارتهای زیر، حروف مشبّهة بالفعل را مشخص کنید،

سپس جمله را ترجمه کنید.

(الف) كَاتَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ.

**کَانَ:** حرف مشبّهة بالفعل

آنان مانند یاقوت و مرجان هستند.

(ب) وَ تَدُلُّ عَلٰی اَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِی وِجُوْدِهِ.

**أَنَّ:** حرف مشبّهة بالفعل

و نشان می‌دهد که آن در وجودش ذاتی است.

(ج) كَانَ اِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ.

**کَانَ:** حرف مشبّهة بالفعل

گویی خشنود ساختن همه‌ی مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید.



(د) لَکِنَّ: این حرف به معنای «ولی» می‌باشد و کاربرد آن در کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله‌ای است که قبل از خودش می‌آید.

مثال: (۱) «فهذا يومُ البعثِ و لَکِنَّهُم کُنتُمْ لا تعلمونَ»

### حرف مشبهة بالفعل

و این روز قیامت است ولی شما نمی‌دانستید.

(۲) اللهُ رَحِيمٌ و لَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا یَشکُرُونَ.

### حرف مشبهة بالفعل

خداوند مهربان است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

نکته: «لَکِنَّ» همیشه به معنای «ولی» است و حتماً باید ترجمه

شود.